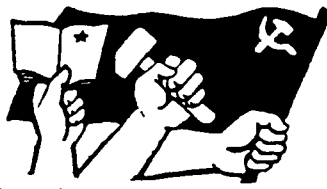


پیکار دانشجو



ارگان اتحادیه جهانی دانشجویان و محصلین ایرانی در خارج از کشور
 هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر
 شماره ۵ نیمه اول آذرماه ۱۳۶۰

دولت موقت و اجزای تشکیل دهنده آن (۲)

ما در شماره های قبل (۲ و ۳) پیکار دانشجویان در قسمت اول این مقاله اجمالاً روند تغییر و تحولات جامعه را از بعد از قیام بهمن ماه ۵۷ و در پرتو آن اختلافات و تضادهای دوجناح عمده حکومتی یعنی حزب ارتجاعی جمهوری اسلامی و لیبرالهای خائن را شرح دادیم و گفتیم که در طی یک دوران جد و جویز بین دوجناح با لایحه حزب جمهوری اسلامی با کمک خمینی جلاد موفق به طرد حریف خود بقیه در صفحه ۲

گزارشی از صنعت نفت اهواز

وضعیت فلاکت را اقتصادی ایران و ورشکستگی اقتصاد رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی که عویش ناشی از سیستم سرمایه داری وابسته می باشد باعث شده تا هر چه بیشتر فشار را اقتصادی بردوش زحمتکشان بویژه طبقه کارگر وارد آید. این فشار در اشکال مختلف تبلور می یابد. بقیه در صفحه ۸

تیراندازی مزدوران رژیم در پاریس به رفیق هوادار سازمان پیکار... در صفحه ۹



Incidents au consulat d'Iran

افشای یک جاسوس

اسماعیل نام خانوادگی صفاری میاندوآب گذرنامه شماره ۲۱۹۴۸۲ صادره از ارومیه بقیه در صفحه ۱۱

دو صفحات دیگر این شماره:

- اخبار ایران صفحه ۸
- اخبار خارج از کشور صفحه ۷
- زندگینامه دورفیک شهید صفحه ۱۰
- سلامتیمان و شکست "گرایش" سیاسی اش صفحه ۵
- پیام اتحادیه جهانی پرفریق سرمدی صفحه ۹

اشغال کنسولگری ایران در میلان: افشای جنایات روزمره و لاینقطع

رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی وظیفه کلیه دانشجویان انقلابی و مبارزان در خارج از کشور می باشد. تا بحال دانشجویان مبارزان بقیه در صفحه ۶

سنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی

بقیه "دولت موقت" و از صفحه ۱

معنی جناح بنی صدراعوان وانمار وی از ارگانهای قدرت - شدو " قهرمان " بلاسنازع سرکوب انقلاب گردید. بنی صدر نیز که خودمست دسال ونهم هم بهمان ماسرمداران رژیم و یکی ازست پروردههای " امام " بود ، هنگامیکه موقعیت خودرابوسله حریفان زورمند در خطر دیدو گفتی " اقتصاد توحیدی " اشی بگل نشت مهاب استفاده ازجناهاات وحشتناک و ناخبرگهای حریفان مرتجع وعقب گرای خویش بنای "اعتراض" برعلیه جما قدری راسر دادوتوانست خودرابمعاون قبله گاه بخشی از مردم که بادرکهای متفاوت وازدیدگاههای مختلف باحزب جمهوری اسلامی ازدرمغالفت برآمده بودندمسازد . بنی مدرنه تنها توانست بخشی از توده های ناآگاه را باعوام فریبی ووعده وعیدهای بدنبال خود بکشد ، بلکه درمقطع بعدی یعنی درآخرین ماههای حکومت خودوسپن بعدازطرشدن قادیرد رهبری سازمان مجاهدین خلق رابرجول ساستهای بور - ژوانی وارتجاعی خویشچ نمایدودر " شورای مقاومت " متشکل کند. به بیان دیگراین تنها بخشی از توده های ناآگاه نبودند که طعمه ساستهای " آزادخواهی " بنی هدرگردیده بلکه رهبری مجاهدین نیز درمرحله ای که مبارزه طبقاتی بحادترین شکل خودرسیده ، باروی آوری به بنی صدر یعنی روی آوری به بورژوازی ارتجاعی بدامن زدن به توهم توده ها وتضمین قطب نیروهای انقلابی باری رساند. در این بخش از مقاله ما ببررسی ماهیت طبقاتی برنامعا وطرچهای ارائه شده از طرف بنی صدروعملکردوی در دوران قدرت پرداخته ودر ادامه آن سیاست سازمان مجاهدین وبرنامه " دولت موقت " رامسورد مذاقه قرار خواهیم داد .

x x x x x x

بنی صدر روشنفکر بورژوانی بود که سالها در خارج از کشور وبدور از مبارزه بر مخاطره طبقاتی درون جامعه باخاطری آسود درفرانسه رحل اقامت افکنده بودوحتی در مبارزات ضد امپریال - لیستی وضد فاشیستی دانشجویمان مبارز در خارج از کشورنه تنها کوچکترین نقشی نداشت ، بلکه به تخطئه آن نیز مبادرناشت " مبارزات " وی نیزیمانند خمینی خائن منحصر باین میندککه با همکاری عناصر مرتجع وشناخته شده ای از قبیل قطب زاده ، یزدی ، حبیبی و... هزارگامی نامه پراکنی هائی نموده ونشریه ای را منتشر نماید ودرعین حال در مبارزات دانشجویمان انقلابی خارج از کشور اختلال نماید . مبارزه برعلیه رژیم جنایتکار شاه در آنزمان کار روشنفکران اختای مانند بنی صدروامثالهم نبودوبهمین جهت هم بود که بنی صدروهم با لگی هایش بتماشا و مبارزه بی امان جاری نشته ومترصد فرصت منتقم بودند . با شروع مبارزات توده ای در سال ۵۶ وتداوم وگسترش هرچه بیشتر این مبارزات انقلابی عناصرو " شخصتهای " فرصت طلبی نظیر خمینی ، بنی صدر و... که ناآزمان گونه نشین بوده وبیکنی خریده بودند ممانندکرمانی که در اثر اشعه آفتاب بحرکت میآیند ، در برتودرخشان مبارزات توده ها بحرکت درآمد وواربعنه شدند . با ورود خمینی بیابری روشنفکران بورژوانی از نوع بنی صدر طلباطبائی ... نیزیا " امام " " بیست " کرد ، وآماده اغفال کرسیهای قدرت شدند . تعظیم وتکریم وثنا گونی آنان از خمینی جلاد بدین خاطر بود که آنان ستیابی بکعبه آمال بقول بنی صدر " ۳۰ ساله " شان رادر قبایل بیعتیابی

تأخودی تضمین شده مبدانستند . با بقدرت رسیدن خمینی ودرو سته اش بنی مدرنیزمبدان را برای تحقق آرزوهای خودمناسب دیده . وباجارونجبال راه انداختن درمورد " اقتصاد توحیدی " - اش بفریب عوام الناس مفضول شد . زیرا بنی صدربخوبی میدانست که در صورت عدم ترمیم خرابیهای ناشی از ضربات وارنده از طرف جنبش انقلابی بریکر فرتوت وبوسیده سیستم سرمایه داری وابسته وعدم کنترول ومنحرف کردن خواسته های بحق زحمتکشان وبویژه کارگران ، جانی برای اوو " اقتصاد توحیدی " اش نخواهد بود . لذا او باسو استفاده از اعتقادات مذهبی توده ها به توجیه استثمار انسان از انسان و تشریزه کردن این استثمار بکمک آیات قرآن وبلاظا ثلاث بورژوانی پرداخت . اومیکفت : " مالکیت سرمایه بایدعمومی باشدواختیارش راحکومت داشته باشد . اما مالکیت تولیدمال دهقان وکارگر باعدو اداره تولید بایدبا خود آنها باشد یعنی سرمایه حتی به تولید نداشته باشد . سرمایه فقط حق ادامه حیات داشته باشد . در نظام سرمایه داری وسپا لیس سرمایه مالک کاراست . در طرح اسلام سرمایه مالک کار نمیشود " (۱) (سخنرانی دراستادبوم کارگران دروازه غار - اسفند ۵۷)

از این حملات بی سرونه ومتضادبا یکدیگر بنی صدربطاهرچنین برمیآید که وی مالکیت خصوصی رادرنموده ومخالف سرمایه داری است ! ولی حملات بعدی وی از قبیل " سرمایه ... حق مانسند داشته باشد بحق حیات داشته باشد " (۲) ماهیت استثمارگران وسرمایه دارانه انکارو عقایدبنی صدرا بر ملا میازند . بنی صدر با معرفی سیستم سرمایه داری دزکوره های رهبریزیمینستی شوروی واقماروی بعنوان وسپا لیس وطرح این ساله که " درنظام سرمایه داری وسپا لیس سرمایه مالک کاراست " (۳) میخواهدبه توده های ناآگاه چنین حفته کند که طرح " اقتصاد توحیدی " وی چیزی خدا از سرمایه داری است !

چکیده هزیانهای بنی صدرا این است : " مالکیت سرمایه عمومی است " (۴) ، " سرمایه بحق ادامه حیات دارد " ولی سرمایه داری وجود ندارد ! بلکه " اقتصاد توحیدی " است (۵) زیرا " در طرح اسلام سرمایه مالک کار نمیشود " (۶) بنی صدروسی میبند که سرمایه بدون سرمایه داری ممکن است ودر سرمایه داری " سرمایه مالک کاراست " وچون در اسلام چنین نیست پس استثمار رهم در " اقتصاد توحیدی " وجود ندارد (۷) حال چگونه در " اقتصاد توحیدی "

بنی صدر سرمایه بحق حیات دارد ولی سرمایه داری وجود ندارد ، فقط شارلانیانمانند خودا میتوانند توجیه کنند .

وسپا لیس علمی میآموزد : " .. تولید سرمایه داران وکارگران مزدبرمحصول اصلی روند ارزش زای سرمایه است . اقتصاد عامیانه ، که فقط اشیا تولیدشده رادر نظر دارد اینرا کاملا فراموش میکند . از آنجا که در این روند کارتجم یافته درعین حال بمنوان تجسم نیافتن کارگر بهمنوان تجسم عاملی درمقابل کارگر بهشتابه مالکیت یک اراده نسبت بایبیکانه ، قرارداد شده است ضرورتا " سرمایه درعین حال سرمایه داراست واین فکر بعضی از وسپا لیست ها بمنی بر اینککه ما سرمایه احتیاج داریم ، ولی نه به سرمایه داران کاملا " اشتباه است " (۸) مارکس در " اشغال تولیدی ما قبل سرمایه داری " ،

آری ! اگر سرمایه بحق حیات داشته باشد صاحب آن یعنی سرمایه دارهم بحق حیات داشته ووجود سرمایه داروکارگر وروابط تولیدی منتج از آن همان سیستم سرمایه داری است که آقای بنی صدر

رژیم جمهوری اسلامی حامی سرمایه دار، دشمن زحمتکشان!

بار "اقتصاد توحیدی" لقب میبندد. نکته دیگری که از طرف بنی صدر مطرح میشوند این است که او با تکیه و اصرار مداوم روی مساله "مالکیت سرمایه بر کار" و انعای اینک در اسلام اینطور نخواهد بود از یکطرف ماهیت واقعی سرمایه داری را می پوشاند و از طرف دیگر میخواهد با حرکت از این موضوع مضمون واقعی سرمایه دارانه "اقتصاد توحیدی" خود را بپوشاند. بنی صدر با زیرکی خاص و با سوء استفاده از نا آگاهی زحمتکشان مساله اصلی سیستم سرمایه داری، یعنی بالا کشیدن ارزش اضافی تولید شده از طرف کارگران بوسیله سرمایه داران را مسکوت میگذارد و از "مالکیت سرمایه بر کار" سخن میزند؛ درحالیکه در سرمایه داری این مالکیت سرمایه بر کار نیست که مبین ماهیت ضد کارگری سرمایه داری میباشد، بلکه این مالکیت بر ابزار تولید است که بکمک آن سرمایه داران میلیونها توده فاقسند ابزار تولید را استثمار میکنند. برعکس انعای بنی صدر یکی از مختصات ویژه سرمایه داری "آزاد کردن کارگران در فروش نیروی کارشان است". به بیان دیگر در سرمایه داری سرمایه داران بر کار را مالکیت ندارند، بلکه سرمایه داری خود با طلب مالکیت از دهقانان و مجبور کردن آنان بفروش آزادانه نیروی کار خود و با ملاح آزاد کردن آنان برای اختیار کار بییل خود با عرصه وجود گزارد. آنچه که گویای ماهیت استثمار کارگران سرمایه داری است نه بزعم بنی صدر مالکیت سرمایه بر کار است بلکه سلطه همه جانبه سرمایه داران بر ابزار تولید است که استثمار نیروی کار کارگران و بجهت زدن ارزش اضافی تولید شده بوسیله اکثریت جامعه و استفاده از آن برای مقاصد سوداگرانه و حفظ سلطه سیاسی - اجتماعی را ممکن میسازد. اصولاً مهمترین شرط پیدایش سرمایه داری وجود دو نوع مختلف از صاحبان کالا (پول و نیروی کار) است که بتوانند در بازار آزادانه کالای خود را مبادله کنند. "از یکسو صاحبان پول و سایر تولید و وسائل معاش که هدفشان این است که بوسیله خرید نیروی کار بیگانه مجموع ارزشی را که در تملک خود در آورده اند افزایش دهند، از طرف دیگر کارگران آزاد، فروشنده نیروی کار خود و بنا بر این فروشنده کار... مارکسیستکا پیتال جلد اول صفحه ۷۴۲.

در ادامه همین عوام فریبی ها و سوء استفاده از عقاید و احاسات مذهبی توده ها است که بنی صدر با تیز "منویت" خواهی خود بمیدان آمد. او از یکطرف برای توجیه "اقتصاد توحیدی" خود میگفت که: "اساس در اسلام کار است و هر کس کار کرد با بدنتیجه سی خود را ببرد" (کتاب کار و کارگر در اسلام) و هنگامیکه در عمل بعنوان عروسک سیستم سرمایه داری مجبور بر سرکوب خواستهای بحق همان کارگرانی که میخواهند "نتیجه سی خود را ببرند" میبندد عریده میکنند که "خوراپورا مالیده" و "باز زمانی که تهدیدها و سرکوبها مونتر نمیا فتانده جدا" بحریه عوام فریبی متوسل شده و بکار کارگران میگفت: "۰۰۰ و امروز با ملی کردن با نکها و با تصویب قوانین لازم آنها را برای اینکه همه چرخهای اقتصادی ما را بکار ببندازند، آماده کرده ایم. بنا بر این زمان مازمان کار و تلاش است. بدیهی است که سرمایه مامشمل سابق صرف بر کردن حبیبها نخواهد شد (۱۱۱) اما برای اینکه این سرمایه ها به نیروی کار شما اضافه و تولید وجود بیاورد (۱۱) بر شماست که محیط کار را سالم کنید و آماده تلاش همه جانبه شوید. روزنامه انقلاب اسلامی ۱۷ بهمن ۵۸.

آری بنی صدر بکارگران میگوید که زمان کار است و تولید و شما با این محیط کار را سالم کنید - یعنی اینکه همکاران زحمتکش و مبارز و مترقی خود را از خود بربانند. یعنی اینکه بر پایه برنامه روزگاری او شب و روز جان بکنند تا کشتی بگل نشسته سرمایه دارای وابسته بر او افتد و سرمایه داران زانو مفت بقدر کافی سوخته و جان و فربه شوند. و اگر هم نتوانستند شکم خود را خانواده تان را با وجود همه جان کندن ها و تلاش بیانه روزی سیر کنید مانعی ندارد زیرا: "فما کارگها بدانند فسلان سرمایه دار که هفت رنگ خورشید میخورد، چون خورشید بر چسبیده است، مضرتر از نان و بیسی است".!!!! سخنرانی در خزانه - اسفند ۵۷. پس باید چکار کرد؟ شما با بیستی بهمان نان خالی و بیسی بسازید و میگوید: "کارگرانی هستند که نان با بیسی کولامی خورند و ما میدانیم که خیلی ضرر دارد".!!!! در همان سخنرانی. آقا بخودی که "دکتر" نشده! آنقدر با سواد است! که میدانند نان و بیسی کولامی ضرر دارد! و خورشید هفت رنگ سرمایه دارا هم خوب نیست چون زیاد جرب است!! این کلمات و حملات فقط میتوانند از مغز علی بنی صدر و امثال او تراوش نمایند که هدفشان تنها و تنها تریب و استثمار زحمت کشان خدمت به سرمایه داران و شرعیت بخشیدن به سیستم استثمار گرانه حاکم میباشد و نه هیچ چیز دیگر. بنی صدر در دوران زمام داری خود و برای توجیه و بزرگ کردن چهره ضد کارگری سرمایه داری به ترفندهای دیگری از قبیل تمهید نام "ربا" به "کارمزد بانکی" و امثالهم نیز متوسل گردید.

در حقیقت افکار و منشوی بنی صدر چیزی جز افکار رطرحها و برنامه های ایدئولوژیکی اقتصاد دی سیستم سرمایه داری نمیباشد. منتها بنی صدر این عقاید نیاکان و بدران طبقاتی خود را نیز بصورت بریده بریده آموخته و رنگ و لعاب اسلامی بآن زده و میخواهد بعنوان "اقتصاد توحیدی" قالب کند. (گفته از آن که اسلام ماهیتاً بعنوان ایدئولوژی طبقات استثمار را گرد در رتوس کلی خود به هیچوجه در تضاد با سرمایه داری نمیباشد). شاید میشد که تراوات مغزی بنی صدر را تا حدودی بحساب التقاط فکری و خفا لبا فسی او گذاشت. اگر عمل کرد دوساله او بعنوان یکی از مهره های اصلی رژیم سرمایه داری وابسته جمهوری اسلامی بشنونه گفتارهای مانع بود. ولی با مروری کوتاه بر افعالهای قبلی و فعلی بنی صدر خائن و مقابله آن با عمل کرد گذشته وی میتواند ما را در درک ماهیت واقعی سیاست کنونی او یاری رساند.

بنی صدر امروزم از آزادی میزند! و مدتهاست که بر پرچم خود عوام فریبانه "مبارزه" با جما قدراری را نبسته است! ولی آیا بنی صدر واقعاً مخالف جما قدراری است و خواهان آزادی است؟ بهترین پاسخ این سوال را بررسی کوتاه دوسال ونهم گذشته میدهد. بنی صدر با افتای محدود سیاستها و حرکات - فاشیستی و زورگویانه و قلدر منبانه حریفان مرتجع حزب لاهی خویش میخواست و میخواهد چنین وانمود نماید که مخالف جما قدراری و سرکوب مخالفین است و در اجرای همین سیاست است که جما قدراری را محدود و منحصر به حملات باندهای فاشیستی حزب جمهوری اسلامی به اجتماعات و کتا بفروشیها، روزنامه ها و غیره میدانست و بر محور این مساله بخصوص در سخنرانی ۱۴ اسفند سال گذشته و بعد از آن به تبلیغات و سیمی ست زد و ولی نه جما قدراری رقبای وی و نه "آزادی خواهی" بنی صدر نمیتوانند او را تبرئه نمایند. زیرا بنی صدر در عمل و در طول دوسال

زنده باد سوسیالیسم!

انقلاب" و بنام آن در ۳۰ فروردین اعلام میکند: "دانشگاه ها و دفاتر سیاسی باید در عرض ۲۴ روز برپیده شوند." و بعد از یخاک و خون کشیدن دانشگاه "فاتحانه" و خامنه اعلام میکند: "امروز، روز حاکمیت شورای انقلاب میباشد." وی اکنون میخواهد در هم کوبیدن جناح کارانه دانشگاه را "فراموش" کند! ولی همپای که کارنامه او سیاه تراز آن است که رنگی دیگر پذیرد.

آری! "آزادیخواهی" بنی مدروخمینی و امثالهم بمعنای آزادی برای استثمار و سرکوب است و نه آزادی برای زحمتکشان و نیروهای انقلابی. اگر بنی مدر و خمینی امروز بخاطر "آزادی" بصورت یکدیگر جنگ میاندارند، نه بخاطر کسب آزادی برای اکثریت جامعه میباشد بلکه جنگ وجدل آنان بر سر آزادی باند بسته خویشان است. اینکه بنی مدر مدافع "منافذ و بحث آزاد" و "مخالف" قهر اکنون بدفاع و تائید اکیونهای مدعانه و ترور سردمداران منفور رژیم جمهوری اسلامی میپردازد، نشاندهنده این واقعیت است که بنی مدر برای بقدرت رسیدن مجد خود هنوز احتیاج بتودهها دارد و میخواهد جانفشان تودهها را یکبار دیگر وثیفه نستیایی بقدرت قرار دهد و سیل با سوار شدن بر مرکب مراد برکوبی تودههاست زند. همان کاری که خمینی و داروخته اش و خود او یکبار انجام داده اند. لذا: "مادلهلی نداریم بخونشیرینی های فعلی لبرالی بنایم، بلکه ما باید به برولتاریا همداریم و اهداف این خونشیرینی ها را با و نشان دهیم."

لنین - مجموعه آثار جلد ۸ صفحه ۱۵۹ چاپ آلمانی "آزادیخواهی" بنی مدر با تمام خصائل ضدکارگری و ضد کمونیستی خود در حمله زنیانه او به رفیق استالین هم خود را آشکار میسازد. بنی مدر این مفتون مکتب سرمایه داری و عاشق دلخسته "دموکراسی" بورژوازی اروپا تنها موردی را که بخوبی از آموزگاران بورژوازی خود فرا گرفته همان نسبی و ضدیت سرمایه داری با کمونیسم است که بازتاب خود را در دوره اخیر بعد از جنگ دوم جهانی بهیت پروانشتیهای (انقلابجویان) آلمانی و یاشنور تیزه شدن این کینه ریزی بوسیله ترور تسکینهای خائن در حمله بشخص رفیق استالین بعنوان رهبر کبیر برولتاریای شوروی و درهم شکننده فاعیم هیتلری، میباشد. بنی مدر خائن مانند کلبه آنتی کمونیست های شناخته شده و همانند خمینی مرتجع نفرت و کینه طبقاتی خود بطنقه کارگر و ایدئولوژی او را در لجن پراکنشی به رفیق استالین بیان میکند. ولی در عرض ۳۵ سال گذشته با وجود دروغ پردازیها، جمل و قلب واقفیت، سرهم کردن اسناد و خلاصه بکار گرفتن کلبه رسانه های گروهی از رادیو، روزنام و تلویزیون گرفته تا سینما و غیره بوسیله امپریالیست ها و نوکران آنها و کلبه رژیمهای مرتجع و فاشیستی برای کوشش

بوده اند که عصمت انقلابی رفیق استالین را با سوء استفاده از اشکالات و معطلاتی که در راه سازندگی سوسیالیسم تاحسدود ی هم اجتناب ناپذیر بوده، خسته دارند. ولی با تمام این کوششها و از آنجا که کلبه این تبلیغات مسموم حقانیت ندارند و هدی جز تحطنه و لجن مال کردن مارکسیسم - لنینیسم نداشته است، نه تنها نتیجه مورد نظر مرتجعین را نداده - بلکه باعث افشای ماهیت ضد کمونیستی خود آنها گردیده است

نشان داده که یکی از چامداران اصلی رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی بوده است. به کرستان قهرمان نظری بیفکنیم! آما بمباران سرباهای زحمتکشان کرد بوسیله فاشیستهای ارتش فاشیستی جمهوری اسلامی که بدستور بنی مدر بعنوان فرمانده کل قوا انجام گردید، چماقداری نیست؟ مگر زحمتکشان کرد چه میخواهند و میخواهند جز آزادی و حق تعیین سرنوشت خود که بنی مدروقمیای مرتجع او متعدا "بچنان جنایاتی دست زدند؟ این چماقداری نیست که با بمبهای نایالم، موشکها، راکتها، توپها، تانکها و گلوله های ساخت آمریکا و اسرائیل محصلات مکنونی و قهرنشین خنثی را با خاک و خون یکسان گردید؟ این چماقداری نبود که با همکاری با داروخته های وابسته به "سیا" امثال "قباده موقت" کرستان را ویران نمود و هزاران تن مردم بیگناه و بیگناهان قهرمان را کشتار نموده و بمبها هزار نفر را از خانه و کاشانه خود رانده و آواره گردید؟ آری! این جنایات فقط بخشی از سیاست چماقدارانه و سرکوب گرانه بنی مدر خائن، بهیستی معدوم و خمینی دروغبردار بوده و خواهد بود. بنی مدر میخواهد با تکیه بر روی شکل اسلحه سرکوبگرانه رقبای خویش خود را مخالف چماقداری جسا بزند. ولی چماق منحصر بآن چوبهای میخ دار و بیا میخکوب شده و غیره نیست. چماقهای درمنا کتر از آنان نیز همان بمبها رانها و گلوله باران گردنیهای کرستان دلاور است که بنی مدر و خمینی و دیگر مرتجعان در آن وحدت کلمه و عمل داشتند.

نمونه دیگر سیاست چماقدارانه بنی مدر بازسازی ارتش جناحینکار "شاهنشاهی" و آماده کردن آن برای سرکوب انقلاب و آزادی است. عملی که بنی مدر در نامه محرمانه خود به خمینی جز "افتخارات" دوران زمامداری خود بر میشمرد.

یک نمونه دیگر چماقداری بنی مدر شرکت مستقیم و در رأس چماق داران حزب الهی در سرکوب دانشجویان کمونیست و انقلابی در دانشگاه است. وی امروز میخواهد همدستی خویش در بستن دانشگاهها و خاک و خون کشیدن آنان را با حمله به نیروهای انقلابی توجیه نماید و بی غمی را با آنجا میرساند که میگوید:

"... اینها در خارج همین دستجات چپی که میگویند که از نظر من چپی نیستند دست راستی افراطی هم هستند اصلا" فاشیست هستند اینها به دوتا مطلب چپیده اند یکی همین قبیله دانشگاه است" (بنی مدر در مصاحبه با هواداران خود در آلمان ۸۱/۹/۱۲) بنی مدر خائن که بنظر میرسد در این مصاحبه نتوانسته رعایت "حفظ ظاهر" را بکند و آنچه را که ماهیت طبقاتی اش بلو حکم میکند، بر زبان رانده است خیال میکند با این سادگیها و با فاشیستی خواندن کمونیستها و انقلابیون میتواند نشان خونین خود را بشوید و خود را از جنگ انتقام خلق برهاند! او معنی میگردد که باد "تیمت" زده شده و این "تیمت" راهم چپی ها باورده اند!! امروز او این را میگوید و لسی ببینیم در زمانیکه در اوج قدرت بود چه میگفت؟ او در سخن رانی خود در روز سه شنبه ۲ اردیبهشت ماه ۵۹ در دانشگاه گفت:

"... ما این سذگرا نیکه در برابر ملت ما ساخته شود سذگرا ی خطان تلفی میکنیم و بدون ترجم آنها را در هم میکوبیم."!! بدیهی است که منظوری از سذگرا ی خطان چیزی جز دانشگاهها و دفاتر هواداران سازمانهای انقلابی نبودند. بنی مدر حتی از راههای بدریز رگوار خمینی جلاد استفاده میکند و از "سذگرا ی خطان" صحبت میکند! او بعنوان رهبر "شورای

سلامتیان و شکست گردش سیاسی اش

اخیرا سلامتیان یکی از سردمداران سابق رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و نماینده مجلس ارتجاع و سرمایه و دستپاچه ریندر لبرال ها - تن اقدام به یک «تورسیاسی» دورآلمان نمود و در اغلب شهرها بعلمت افشاگری وسیع دانشجویان کمونیست و انقلابی «رسانت» تفرش با شکست مواجه گردیده و وی دست از بار زرتیستور اخ خودخیزد ما در اینجا قصد برشمردن جنایات دوما له رژیم جمهوری اسلامی و شرکت مستقیم بنی مدرخان و سلامتیان نه نیست وی در این جنایات را نولد ریم بلکه هدف روشن کردن «گردش های سیاسی» مثلاً سلامتیان نه نریزه و هم با انگیزه ها بنا نه میباید ۱۰ این آقایان تا زمانی که برمسند قدرت رژیم ارتجاعی و ضد خلقی جمهوری اسلامی تکیه زده نه با توده ها کاری داشتند و علاقه ای به آزادی داشتند آنچنان دست غرور قدرت و مقام بودند که بهر جناحی برای حفظ قدرت و بازسازی سیستم بوسه ها سرمایه داری وابسته دست میزدند و سر تعظیم در پیشگاه امام جلادان خمینی خونخوار فرود میآوردند ۱۰ ما زمانی که حریف زورمند و ارتجاعی آنان یعنی خمینی فاشست و بارانش حزب ننگین جمهوری اسلامی تحمل این جوجه دیکتاتورها ی روشنفکر نما ی را نداشت و آنان را یکی پس از دیگری از مقامهای خوبیرکنار و تا رما رکیده این آقایان دعوا مفریبا نه با آزادی افتاده و «آزادخواه» از آب در آمدن و برای دست پایی به چنین «آزادی» هم با اولین امکانات بخار را زکشور فرار کردند و از آنجا که باقیه آنان در همین مدت کوتاه دولت دارینان سها است و در حد آندتا با عوا مفریبی و شلر لران بازی مخصوص خود پیرای خویش حددا آبروئی کسب کنند ولی هنگامی که با مقام و امت و افشاگری دانشجویان کمونیست و انقلابی مواجه میشوند بی شرمانه متعنی شده که هواداران سازمانهای انقلابی «چماقدار» هستند و حقوق «دمکراتیک» را رعایت نمیکنند! آری حامیان سرمایه که خونریز آل - چماقدار بوده و با سرگرمه چماق در این، اما نام خمینی هستند بودند حال به نیروهای انقلابی لقب چماقداری می دهند در منطق بهرمان مرتجع هوادار نیروها نی که در عرض دوما ل حکومت ننگین این مرتجعین صدام شهید در راه مبارزه با چماقداران چون بهشتی و بنی مدرخان را از انقلاب و آزادی کرده اند چماقدار محسوب میشوند اما قاتلین خلق دلاور کرد و دانشجویان مبارزانندگاه «دمکرات» هستند! اینجا ی تعجب نیست که این خا - ثنین بما چماقدار ریگویند و جز این هم انتظار ی نیست زندگی سیاسی این مرتجعین برپا به عوا مفریبی و سرکوب و کفتار انقلاب و آزادی بنا شده و اینان جهره خوا رسرما به هستند و سرمایه برای کسب سود و ارزش اضافی ناچار با استثمار و سرکوب و تخطئه نیروها ئی است که برای رها ئی انسان را از استثمار برای آزادی زحمتکشان و نه آزادی استثمار رکنندگان مبارزه میکنند طبیعی است که از سلامتیان و شرکا «بعدا ز شکست مفتنحانه گردش سیاسی در نیروهای کلان فرانکفورت مها میورگ هیرلین غربی (با وجود اعلام برنامها بین شهرامولانیا مد) اما انتظار ریخور و دیگری نداشته و ندا ریم «ولسی مسئله ای که پیش از پیش در خلال این درگیریها برای توده های دانشجویان روشن شده ماهیت واقعی جریان نی نیام» و جدت چپ «بود» این جریان که عمدتاً از تعدادی انگشت زما رها غبه نشین و فسل شذ جنبش دانشجویی در چند شهر تشکیل گردیده مجددا و با رجعتن بوی مقام و منصب به مشام آقایان سردمداران این جریان و بعد از دست

اگر امروز هم بنی مدرخان با یوه های ایدئولوگهای امپریالیسم را نشخوار میکنند ، فقط وحت و هراس خود را از رشد و گسترش مارکسیسم - لنینیسم در جامعه بنمایش میگذارد و در نظر دارد با حمله به دیکتاتوری - پروولتاریا ، ماهیت دیکتاتوری بورژوازی حکومت گذشته و آینده خویش را پنهان سازد .

حال بنی صدر با یک چنین گذشته سهای بتوده های زحمتکش و نیروهای انقلابی و کمونیست وعده آزادی میدهد ؟ و خود را ناجی آزادی میخواند . در حالیکه سهای که بنی صدر اکنون در پیش گرفته ادامه همان سیاست چماقداری گذشته وی در شکلی دیگر میباشد و هدف آن نجات رژیم ارتجاعی و سرمایه داری جمهوری اسلامی است و نه آزادی .

سیاست و برنامه های بنی صدر امروزه از طرف برخی سازمانها ، جریانات سیاسی و عناصر مورعما بت قرار گرفته :

- تباله های بورژوازی که در تشکیلاتهای «جبه ملی» ، «حزب ملت ایران» ، «نهضت آزادی» ، گردآمده و هر یک بنوعی از در مخالفت با حزب جمهوری اسلامی برآمده و مستقیم و غیر مستقیم به حمایت بنی صدر دست میزنند ؛

- جریانات روبریزونیستی و ارتجاعی به جهانی از قبیل «حزب رنجبران» ، «اتحادیه کمونیستها» ، «که با درکی بورژوازی از جامعه و اعتقاد داختن به موجودیت «بورژوازی ملی» و به حساب آوردن بنی صدر در جرگه ای بورژوازی و درانسیه سیاستهای ضد انقلابی خویش در سابق که بتأیید تام و تمام رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی میپرداختند - امروز به هورا کشیدن و کت زدن برای بنی صدر مشغولند ؛

- عناصر و «شخصتها» ی ورشکسته سیاسی که در بنی صدر و آلترنا تیر «دولت موقت» او حددا چشم انداز زمینه ای برای عرض اندام سیاسی خویش می بینند و رویای رسیدن بمقامات مملکتی در کف حمایت بنی صدر را در سر میپرورانند ؛

- رهبری سازمان مجاهدین خلق که سیاست راست روانه خود و تسلیم طلبی در مقابل برنامه های بنی صدر را می خواهد بدین نحو نتیجه کند که گوپا این بنی مدرخان که بزیر پرچم سازمان مجاهدین به وحدت نشسته و از گذشته خود بریده است ۱۱ و این سازمان مجاهدین است که سیاست خود را غالب نموده و بنی صدر را به

تمکین از این سیاست مجبور نموده ؛ در حالی که با مرور بر برنامه «دولت موقت» و مقایسه آن با برنامه های قبلی سازمان مجاهدین این واقعیت عریان میگردد که خط مشی حاکم بر برنامه «دولت موقت» نه سیاست سازمان مجاهدین بلکه سیاست بورژوازی و ارتجاعی بنی مدرخان است . ما در بخش بعدی این مقاله و قبل از بررسی برنامه «دولت موقت» سیاست سازمان مجاهدین را از بعد از قیام و علل تغییر سیاست آن را با کمک مواضع خود این دوستان در قبال رویدادهای مهم جامعه ، مورد بحث قرار خواهیم داد .

ادامه دارد

تیراندازی ۱۰۰۰ از صفحه ۹

کلبه رفقای هوادار را بتو ابلاغ میکنم . با شدت دارآهنده ای نزدیک دست در دست کارگران و زحمتکشان رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی را ویران و پرویرانه های آن جمهوری دموکراتیک خلق و میسوسها لیم را بتا سازیم .

اتحادیه جهانی ۰۰۰۰۰ هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر - ۲۴ نوامبر ۸۱

مبارزه با امپریالیسم از مبارزه با ارتجاع داخلی جدانیست

افتتاح عمل ۰۰۰۰ از صفحه ۱۲

می برد از دولی و امتحان است که این سخنان فقط برای عوام فریبی می باشد زیرا در رژیم این جا نه تنها تا به حال بدترین فاجعه ها و سوانحی ها از مکتبپوین خدا شناس "سرزده است" که یکی از تازه ترین آن اخیرا بدست ما رسیده است.

در شهر پیورماه گفته افتتاح بزرگی در زندان کرمانشا به وقوع پیوسته جریان از این قرار بوده که یکی از نگهبانان زندان کسی خیلی هم "مکتبی" بود در ضمن عمل لواط در یکی از سلولها با یک نو جوان دارا لقا دیب دستگیر می شود و این جریان مفتوح پس از بخش در زندان در شهر همان بندها می گردد.

آری حامیان فرهنگ ارتجاعی و مومنانی و مدعیان دروغین با کدا منی خود بدترین عناوین و تبلیغات ملین فحشا و فساد در درگاه معسی با غنچه یقینا این عملیات مفتوح نه و لکن آنها بوده و نه آخرین آن خواهید بود که فی است ما حرای فضا حت با رورسوی روا بختیا ریاسدار مکتبی و یک دختر ریاسدار مکتبی در نوشهر و تدا و زی یک روحانی (آخوند) بنحدر ۱۵ ساله جنز کرده در گنا با دو مکتبپوین عمل منافی عفت یکی از اعضا "انجمن اسلامی معلمین هفتبر و مدبر" دبیرستان و حدت "با یک دختر دانش آموز (برای اطلاع بهتر به یکا ۹۲ رجوع شود) را با طریبیا و ریم ۱۰ اینها تنها گوشه ای بسا رکوک از فساد و فحشا در میان مکتبپوین حزب الهی می خرمایه دار می باشد.

اخیرا ۰۰۰۰ از صفحه ۵

بروجرد: بر اساس اخبار رسیده در حدود تاریخ ۷/۱۰ تعداد ۵۰ مجید در معدن شن سراب کشف می شود جریان از این قرار بوده که راننده لودری حین کار در معدن به یک پیر می خورد که به سبب جهل و سرما به خیر می دهد با ادا را جنا پتکار بر سرپوش گذاشتن قضا را نند را دستگیر می کنند تا بهما زهم از هویت اجا بخیرین پرست نیست.

★ مرگ میرجلالان رژیم جمهوری اسلامی تهران - تظاهراتی در خیابان نواب - مرتضوی توسط ۱۰ زن داغیده که خبرا عدام ۲ فرزند یکی از مادران را شنیده بودند مشکل گرفت که نمازها نمی بر علیه خمینی می دادند "خمینی خون می ریزد خلق بها می خیزد" این تظاهرات حدود ۱۰ دقیقه طول کشید که بعدا با ادا را سر رسیدند در این اثنا چند تن از دختران زینب در محل حضور یافته و نمازها را مادران را تحت الشعاع عشا رهای خود قرار دادند با ادا را سرما به مانع از پراکنده شدن زنان تظاهرات کننده شدند که با سر رسیدن مینی بوس و ماشینهای سیا آنها را سوار کرده با خود بردند این حرکت مادران با حمایت مردم محل مواجه شده و مردم با این عشا انزجا را خود را به رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی و با ادا رنشان دادند.

★ تهران: در اوائل مهر ماه پس از اخرا - اعتنای شورای کارخانه - فلیمس از طرف وزارت کار نما پندگانی به کارخانه می آیند و می خواهند شورای جدیدی را تشکیل دهند که با مخالفت اکثریت کارگران رو برو می شوند کارگران خواهان برگشت اعضای شورا میشوند نما پندگان وزارت کار رسمی میکنند آنها را فریب دهند و میگویند پندگانی شورا می توانند آنها را به سرکار بازگردانند ولی کارگران فریب این حیلها را نخورده و در راه گیری ۶۰۰ رای در مقابل ۱۰ رای از طرف انجمن اسلامی که فرصت را برای نفوذ به شورا غنیمت شمرده بود - تومنه کتیب وزارت کار را محسن و مدیر عامل نقش بر آب می شود و رای گیری به بازگشت نما پندگان اخراجی داده میشود.

ما خا نه خمینی و آفتاب گیری دوباره در صحنه سیاست در خارج از کشور "فما لافده و ما ننم همیشه مفتون و مجذوب قیله گاه قدرت و این بار "شورای مقاومت" عده و حاشه کاسه آتش داغتر در دفاع از "شورای مقاومت" هر چه بد و بیراهه لایق خودشان است نشانار با زمانهای کمونیستی و هواداران آن در خارج میکنند "ایمن آموزگاران" جنبش برغلات اسفان نه با هم وحدت دارند و نه سه چپ هستند از هر کدام از اینها کمینوال کنی آقا از نظر شما "چپ" چه هست و چه مخصوصا تیم میا رها نی دار دهجوا بی ندار د به همه تهمت سکنا ریم میزنند و برای جنبش انقلابی مان هر روزه نسخه ها می متعدد و حدت می بینند مثلا "دیکتاتور" از هر نوعی هستند (البته منظورشان فقط دیکتاتور کارگران و معنای است) و گرنه ما دقانه برای دیکتاتور بورژوازی مبارزه می کنند و لیس و نفر از اینها را نمی شود پیدا کرد که با هم وحدت نظر اقلادریک مورد اخته با غنچه کات این آقا بان مثل حکایت ملا نصرالدین است همه چیز را برای دیگران میخواهند ما نند ولایت فقیه جنبش انقلابی "ره نمود" و "ستور العمل" می دهند ولی خود گوئی از دنیائی دیگر و جز "چهارده مسموم" اند علامه این آقا بان را نباید جدی گرفت زیرا هنوز از مرحله پرت اند و نمیدانند که آن سیو شکست و آن بهمانه ریخت ولی باید در هرجا که هستند آنانرا افشا نمود و ماهیت "آزادی" بورژوازی آنانرا که در پشت جملات مارکستی استتار نموده اند بتیر و معاشان داد.

اشغال ۰۰۰ از صفحه یک

کمونیست در خارج به افشا حامیان سرمایه و رژیم وابسته با مبرها لیس جهانی پرداخته اند و در این مبارزات افشا گرانه هواداران سازمان بهیکار با توجه بتوان خود نقش بسزائی داشته اند و در ادامه همین مبارزات بود که دانشجویان هوادار سازمان بهیکار و آزادی طبقه



بقیه در صفحه ۱۲

اخبار جنبش دانشجویی

لندن

"اتحادیه دانشجویان و محصلین ایرانی در بریتانیا" عضو "اتحادیه جهانی" هوا دار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر "دانشجویان هوا دار سازمان انقلابی زحمتکشان کرستان ایران (کومله) و دانشجویان هوا دار سازمان چریک - های فدائی خلق ایران جهت افشای جنایات رژیم سرمایه - داری جمهوری اسلامی و همچنین غنا دادن مبارزات خلقهای قهرمان ایران و جنبش کمونیستی به نیروهای انقلابی در انگلستان، متحدان اقدام به تشکیل "کمیته هماهنگی برای دفاع از مبارزات خلقهای ایران" نمودند. این کمیته در تاریخ ۶ نوامبر شب هفتگی ای با مبارزات خلقهای ایران به زبان انگلیسی در لندن برگزار نمود که در آن بیش از ۲۰۰ نفر از دانشجویان ایرانی و نیرومهای کمونیستی و انقلابی خارجی شرکت کردند. در پیام کمیته هماهنگی به لزوم اتحاد عملی مبارزاتی با مرزبندی قاطع با آلترناتیو بنی‌مدر - رجوی جهت طرد لیبرالهای خائن و جنب مجاهدین به آلترناتیو دموکراتیک متاکید شده بود. این شب شامل نمایش اسلاید و مقاله از قیام تاکنون و با تکیه بر کشتار کرستان و جنایات اخیر و لزوم سرنگونی کل رژیم سرمایه داری حاکم، سرودهای انقلابی، تراکت منتشر و پیام از طرف سازمانهای کمونیستی و انقلابی با موفقیت تمام برگزار گردید. در پایان سرود انترناسیونال با هماهنگی و صلابت هر غور و کم نظیری خوانده شد.

♦♦♦♦♦

روز شنبه ۷ نوامبر تظاهراتی برای افشای جنایات رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی از طرف کمیته هماهنگی و با شرکت نزدیک به ۳۰۰ تن از دانشجویان مبارز برگزار گردید. در جلوی تظاهرات با ابتکار اتحادیه دانشجویان و محصلین ایرانی در بریتانیا چوبه داری بوسیله یکی از رفقا که صورت خود را به شکل جلادان رژیم پوهانده بود حمل میشد که تاثیر زیادی در افشای جنایات رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی داشت. همچنین کاربکا توره های بزرگ شده خمینی جلاد امام تازیانه و دار باستان خون آلود، بوسیله تظاهر کنندگان حمل میشد. این تظاهرات در همین حال با موضع گیری بر روی "غورای مقاومت" و بورژوازی لیبرال با طرح شعارهای:

- خمینی یعنی صدر، بختیار، سلطنت طلبان دشمنان خلق ما (به زبان انگلیسی)
- جمهوری اسلامی رژیم ضد خلقی بدست زحمتکشان نابود باید گردد.
- جدائی دین از سیاست خواست دموکراتیک و انکار ناپذیر انقلاب دموکراتیک.
- تبوهای ماکثربیت مارتجاع - ندگه نیرنگان، سرگ به پیوندتان.
- و می در تبلیغ آلترناتیو دموکراتیک بیدگداشت لازم به تذکر است که انجمن دانشجویان مسلمان (هوا دار سازمان مجاهدین) بواسطه موضع انقلابی کمیته بر علیه

بورژوازی لیبرال و بنی‌مدر خائن از شرکت در برنامه های کمیته خودداری و از شرکت هوا داران خود در تظاهرات جلوی گیری کردند. این دوستان در حالی که بمناسبت انتخاب پایا نفرو (این نماینده بورژوازی وابسته یونان) پیام تبریک آقای رجوی را در نشریه خود چاپ میکنند اما از دادن پیام به شب هفتگی با مبارزات خلقهای ایران و شرکت در تظاهرات بر علیه جنایات رژیم جمهوری اسلامی خودداری میکنند. زهی تائف، دفاع از بورژوازی هم حدی دارد.

♦♦♦♦♦

روز یکشنبه ۱۵ نوامبر معمال دارو دسته بنفایت ارتجاعی حزب خائن توده با صرف مقادیر زیادی از روبلهائی که در پاسخ به سالها نوکری و جاسوسی از سوسال امیربالیستهای روسی دریافت میکنند جهت برگزاری چهلمین سال زندگی سراسر ننگین خود و رفص و پایکوبی بر مزار شهدای بخون خفته خلق و در تائید جنایات رژیم جمهوری اسلامی اقدام به برگزاری جلسه ای در یکی از سالنهای لوکس لندن کردند. اتحادیه دانشجویان و محصلین ایرانی در بریتانیا هوا دار "سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر" همراه با هوا داران سازمان کومله چریکهای فدائی خلق و مجاهدین خلق جهت اعتراض به گریه مانی حاکمان رژیم (توده های هـا، اکثریتی ها و حزب الهی های خائن) دست به تـدارك حمله بر علیه این خائنین زدند. اما به علت رعایت شرایط امنیتی از طرف این خائنین بیشتر از ۱۰ نفر از رفقای ناشناس نتوانستند به درون جلسه بروند. بقیه دانشجویان انقلابی در اطراف محل به گشت مشغول بودند، خائنین توده ای در پی افشای رفاقا، از پلیس فاشیست انگلستان تقاضای کمک کرده و در نتیجه گشتی های پلیس در خیابانهای اطراف این محل تا شمعاع وسیعی به گشت پراخته و اقدام به تهدید و بازرسی بدنی چند تن از رفقای ما می کنند و با حمایت خود از رویزیونیستهای توده ای وحدت طلبانی خود را علیرغم وابستگی به امپریا - لیستهای مختلف با ثبات میرسانند. دانشجویان انقلابی علیرغم تهدیدات پلیس فاشیست انگلیس در اطراف جلسه و در گروه های کوچک همچنان به گشت مشغول و متصرف فرصتی برای حمله به این خائنین بودند اما از آنجا تیکه سالن برگزاری جلسه با صرف هزینه زیادی کرایه شده بود از امکانات امنیتی زیادی برخوردار بود. پس از حدود دو ساعت بعد از شروع جلسه پلیس که از تعقیب دانشجویان خسته و از به گیری آنان عاصی شده بود جلسه را بعلت عدم توانائی خود در حفظ امنیت آن متوقف میکند. خائنین توده ای که از نقاط مختلف اروپا برای برگزاری این جشن به لندن آمده بودند از ترس دانشجویان انقلابی در گروه های پر جمعیت دست از پا درازتر به لانه های خود خزیدند و به این ترتیب به دست دانشجویان انقلابی جشن خائنین نیمه کاره ماند.

گسترده باد اتحاد عمل دانشجویان انقلابی بر علیه رژیم

جمهوری اسلامی در خارج از کشور

مبارزه با امیربالیسم از مبارزه با ارتجاع

داخلی جدا نیست

بقیه اخبار

مرنگون باد رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی
برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

رویزیونیسم را در هر پوششی افشا و طرد کنیم

اخبار و رویدادهای ایران

با بدو رژیم ضدکارگری جمهوری اسلامی بخاطر اینکه بتوانند از این وضعیت بد اقتصادی مقداری رها نیهای بد معیور است بهی از پیش فشا روا رسا زد ۱۰ این فشا رها عمدتا در اخراج کارگران از کارخانه نه بهیشتن کارخانهها معیور نمودن کارگران به اخافه کاری و متبلور می شود نمونه زهرکار ملا نماهی نهفته سیاست ضدکارگری و جنا پشکارانه رژیم سرما به داری ایران نسبت به طبقه کارگر می باشد.

سیاست ضدکارگری رژیم در صنعت نفت: الف - در عرضه مسائل اقتصادی دی ورفاهی ۱۰ - قطع فوق العاده کارگاهی (حق فنی) ۱۰٪ حقوق پایه کارگران و کارمندان.

۲ - قطع فوق العاده کامیونتری و فوق العاده ماشین نویسی و منشیگری

۳ - قطع ۱۰٪ حق عیشتی، محکم کردن ساعات اخافه کاری ۵ - محدودیت بسیار در پرداخت وام مسکن ۶ - قطع پرداخت فوق العاده روزانه در مورد خدمات کارکنان ۷ - بستن مهدکودک اهازوفشار به زنان کارمندی و محدود کردن روزهای استراحت کارکنان در شرایط جنگی.

ب - در عرضهای (پاکسازی - اخراج - سرکوب و...) ۱ - منع انتقال کارکنان از شمال به جنوب و بالعکس که میتواند فشا نگری را به پاکسازی با عده ۲ - قطع کنشنامه تلفن کسه برای تماس با منطقه صنعت نفت اهازیا نیست ها و شهرهای دیگر است تلفن توسط مزدوران رژیم کنترل میشود ۳ - بهاجورعب و وحشت و دستگیریهای متعدد ۴ - زمینهای برای اخراج زنان فاغل ۵ - اخراج بدلائل سیاسی و اقتصادی ۶ - انجمن اسلامی در صنعت نفت اهازبعلت مبارزه کارگران وجود ندارد. وضعیت مبارزاتی کارگران: آنچه قابل توجه است که توهم اکثریت کارگران نسبت به رژیم فروبرخته است، کارگران درواحنهای خود به رژیم می تازند آنها در تولهیم مراقبت لازم را از ابزار کار ندارند و به کم کاری دست میزنند و عکسهای خمینی جلاد و دیگر عناصر منفور رژیم را با بهره می کنند و با تغییر فیه می دهند. روحیه مبار خاتی کارگران بسیار لایمبا عدو خواستهای سیاسی آنان از خواسته های منفی شان برجسته تر میباشد.

پیروزی دیکار سرخ کارگران بر

عسبه سرما

★★★

اخبار جنبش توده ای:

کرمانشا همدرا واخر شهر بهر ما اعدا نهایی قرون وسطا نی رژیم با عت ايجا در وحیه تمرخی در بین زحمتکشان گردیده ۱۰ از جمله بهرام حسینی از جاهدین خلق به جرم هواداری از زمان مذکور محکوم میشود و وقتی از توبه گرفتن از او ماموس میشوند به او چند تیر زده ولی تیر خلاص را نمی زنند و خدا و را به بزشکی قانون می برند بزشک از مدو رجوا زدن برای چند نیمه جانی خود داری می کند مدای د ست و با زدن و تکان خوردن جسد در سرخانه کارکنان بزشکی قانونی نو نه را بر آن میدارد که وی را بهیرون بها و رندولی با تهدید باس - داران فاعیست روبرو میشوند پس از چند ساعت در سرخانه را با ز می کنند و جسدرا کف زمین میبندند و خدا ابتدا در کابین های کتو نمی برد خا نه بود که پس از انفلا زبا دار آنها با شین افتاده و جان میسپارد در تبعیع حنا زه وعده زبا دی از مردم شرکت می کنند که ۸ نفر دستگیری شوند.

در صفحه ۶

سوئد

اخبار ۱۰۰۰ از صفحه ۷

برای افشای هر چه بیشتر چهره کره رژیم جمهوری اسلامی و شناساندن مبارزات کارگران و زحمتکشان ایران و تبلیغ و ترویج آلترناتیو دموکراتیسم انقلابی پرولتاریا بعنوان یکی از آلترناتیوهای کسب قدرت، اتحادیه دانشجویان ایرانی در سوئد دست به يك سری آکسیونهای دفاعی - تبلیغی زد. علاوه بر مصاحبه های رادیویی - روزنامه ای، اتحادیه کنسوری برای جمع آوری کمک مالی و افشای جنایات رژیم ۰۰ در چهار شهر امو - استکهلم - گوتنبرگ - اپسالا وارد اکسیون دفاعی گردیدند.

امو: الف - مصاحبه با روزنامه دانشجویان (باتیراز ۱۰ هزار)، افشای جنایات رژیم و افشای امپریالیسم سوئد در مورد رای دادگاه در مورد رفقای اشغال کننده سفارت ایران در استکهلم که به ۸ ماه زندان محکوم شده اند این مصاحبه در صفحه اول روزنامه با عکسی از سفارت اشغال شده و باندرول نصب شده بر سر تر سفارت، درج گردید.

ب - ارتباط با رفقای هوادار اقلیت و مجاهدین برای شرکت در يك عمل مشترک بمنظور ایجاد پایه توده ای وسیعتر در بین دانشجویان ایرانی و سوئدی و جلب حمایت آنها جهت اخراج مرتجعین توده ای و اکثریتی این حامیان و قبح کشتار فرزندان خلق از محل جلسه هفتگی و مانعیت از برگزاری میز کتاب در همین رابطه جلسه ای با مسئولین شورای دانشگاه تشکیل گردید. رفقای نماینده اتحادیه مابهمراه دو نیروی دیگر با افشای چهره جنایتکارانه رژیم جمهوری اسلامی و خمینی جلاد خواستار اخراج مرتجعین ریزیونیست از دو محل فوق گردید.

این مساله در روزنامه دانشجویی شهر به تفصیل درج شد علت درخواست ما هواداری توده ای ها و اکثریتی ها از قتل عام انقلابیون ایران - دفاع از خمینی جنایتکار و جاسوسی برای رژیم ایران توسط اینان بود.

ج - برپا داشتن نمایشگاه عکس در دانشگاه از اوضاع ایران و پخش اعلامیه به سوئدی با تحلیلی مختصر از اوضاع ایران افشای اعدا های کمونیست ها، انقلابیون و خرسالان، افشای توده ایها و اکثریتی های ضد انقلابی. این آکسیون با رفقای اقلیت مشترک برگزار شد.

د - تشکیل يك جلسه عمومی مشترک با رفقای هوادار اقلیت برای ایرانیان مبارز شهر که حدود ۹۰ نفر شرکت کرده بودند

www.peykar.org

جاودان باد یادرفیق شهید عباس بنائی

در فروردین ۱۳۲۷ در یک خانواده نسبتاً فقیری در تهران متولد شد. در جوانی به علت فقر مادی وی قادر به ادامه تحصیل نبود و برای تأمین مخارج زندگی مجبور به کار مشقت با رشد او و بعدها در ضمنی که کار می‌کرد شبانه به تحصیل ادامه داد و بعد از اتمام تحصیلات رفیق به همراه مقداری پولی که جمع کرده بود و کمک‌های اطرافیان در سال ۱۹۳۳ توانست به آلمان سفر کند، پس از آموزش زبان آلمانی



موفق بدربار فت فوق دیپلم استاد داری در رشته مکانیک اتومبیل گردید. از آنجا که قلبش برای مبارزه و عشق به رها نیز حتمت‌کدان می‌طلبید با او جگر می‌بازات تو بهما در ایران قیل از مهر مجور خونین ۵۲ به ایران بازگفت. در سالهای اقامتش در خارج در صفوف دانشجویان متشکل در کنگره‌ها چون به مبارزه بر علیه امپریالیسم و رژیم سرمایه داری و به خواسته بود. بعد از سرنگونی خاندان پهلوی و بقدرت رسیدن رژیم جمهوری اسلامی رفیق می گفت: فقره گرسنگی و فحشا می‌سواد می‌بیکاری مجبور فرهنگی بحران و... حاصل نظام سرمایه داری می‌باشد و ما باید بر علیه این نظام مبارزه کنیم. او در میان توده‌ها چون ماهی در آب شنا و ربود و در هیچ مردم منطقه خاک نشین بر علیه با سداران چپ و سر صایه نقش بسیار عمده داشت. رفیق عباس که صحنه اصلی مبارزه را در ایران با فتنه بود و می‌توان یکی از اعضا فعال گروه انقلابیون (مسل) پیکار خلق. لحظه‌ای از خدمت به کارگران و زحمتکشان و افشا به دریغ بورژوازی و مرتجعین وابسته آن یعنی ویرانی‌های خائن به جهان می‌تواند ای و اکثریتی‌های فدائی غافل نمی‌شدند و نت و ایمان را سخاثر نسبت به رها نیز حتمتکشان و اخلاق انقلابی رفیق عباس را انرا فی‌النظر را محذوب می‌کرد. او بسیار رزق و مهربان و دوستی و وفا برای تو بهما بود. در بحثها بهر با نیروهای درون خلقی بسیار متانت بود و دل‌دیرا بر دشمنان زحمتکشان و نوکرا بورژوازی با منطق کوبنده و همراه با ختم انقلابی با همت طیفاتی و مزدور بودندشان را برای برای توفیق با دلائل کمونیستی عباس

می‌کرد. او بعد از وحدت انقلابی گروه پیکار خلق با سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر یعنی پیکارگری همیشه با قدر سنگین سازمان پیکار به مبارزه خویش بر علیه سرمایه داری جهان می‌ورزم ارتجاعی جمهوری اسلامی و برقراری جمهوری دمکراتیک خلق ادامه داد. رفیق بدنبال تهاجم حنا بهنگران رژیم خمینی جلاد به سازمان پیکار بهنگران دستگیر شد و در نیمه دوم مرداد ماه ۱۳۶۰ به است دزد- خیمان رژیم خونخوار اسلامی به شهادت رسید.

راهش با پدا رو خا طرش
جاودان بسا د

جاودان باد یادرفیق شهید محمد عمیم

در صف کاروان شهیدان خانی برای محمدمعمیم خانی بود که محمد با پیوستن به این کاروان با سخا انقلابی به وظیفه اش در قبال خلق داد. رفیق از جمله جوانان متعهدی بود که با وروش بخارج از کشور در سال ۱۹۲۹ به صف دانشجویان دمکرات و مدامیر با لیت پیوست. فعالیت خستگی‌نا پذیر وی در انجمن دانشجویان ایران نیز از پیرو کین بعدی بود که با رها و می‌توان نماینده دانشجویان انتخاب شد. کمترین تغای می‌افتاد که او وظیفه مبارزاتی را تمام بگذارد و در تهیه تدارک آکسیرهای مختلف و افشا کننده علیه رژیم شاه محار همیشه پیشرو بوده و با دانشجویان ایران و دانشجویان خارجی با چهره و آشنا بودند. روحیه بر تحرك و مهربان محمد فردی از اواس ختم بود که دانشجویان ایرانی و خارجی همیشه با میل او را می‌پذیرفتند. او به علت مبارزه به گرایش بر علیه رژیم منفر پهلوی و تبلیغ و ترویج ایده‌های انقلابی برای مزدوران رژیم شاه ختم شده بود. به همین خاطر در زندان او را از ایران مورد بی‌گرسا واک بوده و به هنگام خروج از کشور تحت با زری و ضرب و شتم مزدوران سا واک قرار گرفته بود. مدارک موجود در سا واک بر علیه او که حاکی از فعالیت به گرایش بر علیه رژیم سرمایه داری و وابسته پهلوی بود و نیز سوز در با پگانی می‌تواند رژیم خمینی جلاد موجود است محمدمعمیم از جمله دانشجویان مبارزی بود که خیلی سریع با دیدگاه‌های انحرافی کنگره‌ها چون مرز بندی کرده و سمت گیری خود را بسوی بخشی منتصب سازمان مجاهدین خلق و نتیجتاً سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر اعلام کرد. او و چند ماه قبل از قتل به است تدارک مراجعت به ایران. در بین دانشجویان مبارزان مطرح کرد و خود رهسپار ایران شد. بعد از قتل او علیرغم جوانی و بی‌تجربگی هیچگاه به جای توهم نیست به رژیم جمهوری اسلامی نشاند و با رها میگفت رژیم جمهوری اسلامی با سرمایه داران و دشمنان کارگران و زحمتکشان و خلقهای ایران است. او بعد از ترورش و انقلابی و انقلابیون به است مزدوران رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی افشا ده و به شهادت می‌رسد. تا آنجا که ما می‌توانیم رفیق هوا دار سازمان پیکار ریده است و لیا زجگوئی ارتباط رفیق با سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر اطلاع رست ندارد. به دستگیری رفیق بعد و همسر و فرزندان او با اشغال خانه اش توسط با سدارا سرمایه صورت گرفت. مزدوران خمینی علیرغم اینکه هیچ گونه مدرکی از آنان نداشتند همسر و فرزندان او را مدت یک ماه و نیم در زندان نگاه داشته و در زیر شکنجه قرار می‌دهند و رفیق را بعد از سه ماه شکنجه‌های قرون وسطائی بهر آریا مهری به شهادت می‌رسانند. رفیق محمدمعمیم تا نه همچون کلیه پیکارگران راه آزادی طبقه کارگر شهادت را بحان خرید و بی‌برسم انقلابی استاده شهید شد.

زنده و جاوید باد یاد شهیدان خلق

بقیه از صفحه ۱

طبق اطلاعات و اسناد موثق که بدست ما رسیده، شخصی بنام اسماعیل صفاری میاندوآب یکی از جاسوسان رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی میباشد. وی که جمعی یگان هوانیروز بایگاه هوانیروز کرمانشاه بوده، بعد از قیام بهمن ماه ۵۷ از ارتش استعفا نموده و سپس بقصد جاسوسی بکرستان رفته و در آنجا با اظهار علاقه و نفوذ در بین سازمانهای انقلابی کرستان اطلاعات جمع آوری و در اختیار فرماندهان مزدور ارتش رژیم جمهوری اسلامی گزارده است.

وی قبل از اقدام باین عمل با فرماندهی رئیس ستاد لشکر ارومیه تماس گرفته و بعداً نیز اطلاعاتی در اختیار افسر مزبور گذاشته است. وی خود در نامه ای مدعی شده که با فرار از مرز ایران و ترکیه بعراق رفته و در آنجا برای جمع آوری اطلاعات خود را بعنوان خلبان فراری ایرانی معرفی و با جلب اطمینان عمیقها اطلاعاتی تهیه و در اختیار مقامات ایرانی گذاشته است.

وی بمقامات ایرانی اطلاع داده که: "مهاجمین به شهر بانی مهاجرت و عاملین ترور رئیس شهر بانی آن شهر را در تاریخ ۱۳۵۸/۷/۲۰ به اسم میثاق" و در مورد: "ترور رئیس پاسداران ارومیه قیلا" اطلاعات را به مسئولین داده است. و سرهنگ طهرنژاد را در میثاق

او در نامه ای بمقامات رژیم جمهوری اسلامی مینویسد: "ولی موضوعی که در زیر برایتان تشریح میکنم امیدوارم با به قسمی که در اجرای امور خورده اید عمل نمائید و نکته های مهمی که هر چند علاج قسمتی از آن دیده شده ولی امید است حداقل خائنین به خلق را معرفی کند....."

بنابینا دلایلی که در این نامه قابل توصیف نمیشد در تاریخ ۵۸/۴/۱ از ارتش جمهوری اسلامی ایران استعفا

نمودم و جهت پیروی هدفی که داشتم عازم دیار خود شدم و دلیل این عمل مهمتر از تمام زندگی من بود و آن جمع آوری اطلاعات از بین احزاب سیاسی فعال مثل دموکرات کومه له و چند حزب کوچک و بزرگ که در کرستان ایران

مشتول فعالیت بودند بلکه این کار با همکاری رئیس ستاد لشکر ۶۴ ارومیه انجام گرفت. حتی در ماموریتی که به عراق داشتم کلیه اطلاعات را در اختیار رئیس ستاد مذکور همینطور رئیس ضد اطلاعات لشکر مربوطه گذاشتم

ولی با کمال تأسف در مقابل اطلاعاتی که بنده برای ارتش جمهوری اسلامی ایران جمع آوری کرده بودم امروز در مقابل اطلاعاتی که داده ام اطلاعاتی که حلال این مشکلات فعلی بود اخبار ناخوری می رسد که من مرتقد هستم در جابجانی آن اطلاعات کوتاهی شده و اینرا تنها میتوانم به کوتاهی خدمتی افراد مسئول که من با آنها سروکار داشتم بگیرم و همینطور بوابسته نظامی در ترکیه و همینطور اطلاعات کلی که بعداً بدست آوردم اطلاعات و مدارکی راجع به سیای آمریکا و فعالیتها در کرستان و در داخل ایران ولی اینجانب با تمام حسن نیت و امیدواری که

یکی از مهمترین خصائص فردی هر مسلمانی است اقامه نموده و ما بلم تمام این اطلاعات را با شخص جناب عالی در میان بگذارم تا شاید قطره ای از دریا که بتواند در پرده برداری نست نداشته شیطان بزرگ سهم باشد.

این خائن خود فروخته از طریق سفارت آمریکا در یونان با سازمان جنایتکار "سیا" تماس داشته و از طرف آن سازمان بوی آموزش مخبرات داده شده و مبالغی بپول نیز دریافت نموده. بعلاوه وی با یکی از مامورین سفارت آمریکا در تهران که جز "گروگانها" نیز بوده است، در تماس بوده. این نشاندهنده این واقعیت است که رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی علیرغم هائیهی "ضد امپریالیستی" اش از طرق مختلف با امپریالیسم جنایتکار آمریکا و مزدوران وی از قبیل "قباده موقت" و غیره همکاریهای نزدیک داشته و دارد.

جاسوس مزبور قرار بوده که شخصاً "بحضور چمران معدوم برسد و از روی نقشه اطلاعات خود را در مورد کرستان در اختیار رژیم ضد خلقی جمهوری اسلامی گزارده. تا آنجا که ما اطلاع داریم شخص مزبور اکنون در کشور سوئد بسر میبرد. این همداری است بکلیه نیروهای انقلابی و کمونیستی زیر رژیم مرتجع جمهوری اسلامی همانند همه رژیمهای خبیثکار از هیچ کوششی و جنایتی برای تضمین سلطه خود رویگردان نمیشد و کم نخواهند بود افراد مزدور و خود فروخته ای که با قصد جاسوسی سعی در نفوذ در درون نیروهای انقلابی مینمایند، که این کوششها فقط با هوشیاری و کنترل انقلابی قابل پیش گیری است.

مزدوران رژیم را شناسائی و رسوا کنیم!

وری اطلاعات از بین احزاب سیاسی فعال مثل دموکرات کومه له و چند حزب کوچک و بزرگ که در کرستان ایران مشتول فعالیت بودند بلکه این کار با همکاری رئیس ستاد لشکر ۶۴ ارومیه انجام گرفت. حتی در ماموریتی که به عراق داشتم کلیه اطلاعات را در اختیار رئیس ستاد مذکور همینطور رئیس ضد اطلاعات لشکر مربوطه گذاشتم

استفاده از بوسه

افتضاح عمل یک پاسدار

کسرمانده: فساد و فحشاء معلولی از روابط منحل سرمایه داری بوده و مسلماً " این معلول که ناشی از فرهنگ سومپائی و ارتجاعی حاکم بر کشورهای سرمایه داری است در ایران نیز وجود دارد. رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی که می‌چشم‌گندیده سرمایه داری وابسته به امپریا نیم می‌باشد و از بنده قدرت رسیدن با نوا مختلف به انقلابیون بوی بزه کمونیست‌ها تهیت زده و هر روز منعی بوده است که در خانه‌های آنها قرض عدا ملکی معکسها و مدارکی که دل بر عملیات منافعت است یافت کرده و همچون محمدرضا شاه آنها مهربانترین نواها و نازها را ببلیدود است با مینی‌پریا حلال وجود و روابط منحل شروع در منازل انقلابیون می‌راند و در عوض شب و روز از زهد و تقوی اسلامی خویش و بقیه در صفحه ۱

و بطور وسیعی در رسانه‌های گروهی ایتالیا منعکس گردیده. مادر اینها قسمتی از اعلامیه مشترک رفقای هوادار سازمان پیکار و کومه در ایتالیا را می‌آوریم:

" بنام کارگران و زحمتکشان و تمامی خلقهای قهرمان ایران و بیاد شهدای بخون خفته راه آزادی و استقلال که با انتشار جان خود انقلاب دموکراتیک و ضد امپریالیستی توده‌های تحت‌ستم ایران را آبیاری نمودند و بعنوان اعتراض به کشتار و حیانیه کمونیست‌ها و انقلابیون مادران و دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمانهای کومه له و پیکار، لانه جاسوسی مرتجع جمهوری اسلامی را به اشغال خود در آوریم تا بسدین وسیله فشار را بر خلقهای دلاور ایران را بیگوش جهانیان بپرانیم و هرچه بیشتر نقاب تزویر و جنایتکارانه حاکمیت منفور جمهوری اسلامی را زدوده و چهره کثیفشان را آشکارتر سازیم

آری حکومت قرون وسطائی جمهوری اسلامی برای پاسداری از سرمایه‌های امپریالیستی، فرزندان انقلابی خلق را بجوخه‌های تیر میسارد، کودکان ۱۰ الی ۱۱ ساله را اعدام میکند زنان باردار را به خاک و خون میکشد، توده‌ها را باخاکسپاشی داشتن یک اعلامیه به زیر تیغ میبرد و زخمیهای مبارزان رنج و کار را دردم بزنجر مرگ میبندد. این رژیم با منطق کثیف و خونبار خود محکوم به فنا است

برای پاسخگویی به یاوره گوتیهای رژیم و سرسیردگان آن در خارج و اعتراض به مسائل یاد شده بر آن شدیم که لانه فساد و تباهی و جاسوسی را با اشغال خود در آوریم و مشت محکمی به دمان حلاان رژیم و تمامی وابستگان مزدور و همچون رویزونیستهای ارتجاعی حزب توده و گروه موسوم به " اکثریت " که بخشی از حامیان فکری و عملی آنان میباشند کوبیده تا بیانگریانک رسائی خلقهای ایران در این منطقه از جهان باشیم.

مرگ بر امپریالیسم و ارتجاع داخلی! - مرگ بر رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی! - برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق!

زنده باد سوسیالیسم! - دانشجویان و دانش آموزان هوادار " کومه له " در ایتالیا - دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در ایتالیا عضو اتحادیه جهانی "

اشغال کنسولگری از صفحه ۶

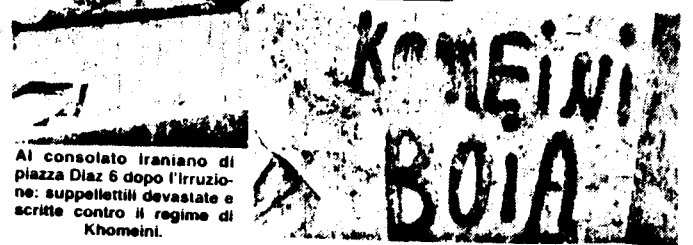
کارگر به همراه دانشجویان هوادار کومه به منظور افتاء هرچه بیشتر جنایات رژیم جمهوری اسلامی و همبستگی با مبارزات کارگران، زحمتکشان و خلقهای ایران و به منظور دفاع از انقلابیون دربند و مخالفت و اعتراض بر علیه اعدامهای بی دربی انقلابیون کمونیست و سمرکات توسط خونخواران رژیم ارتجاعی جمهوری اسلامی در تاریخ ۲۵ نوامبر ۸۱ اقدام به اشغال کنسولگری (لانه جاسوسی) رژیم ایران در میلان - ایتالیا نمودند. رفقا بعضی ورود بخاسوخانه رژیم و باج کردن مزدوران رژیم در اطراف کنترول کامل را بدست گرفتند. سپس رفقا با بزیر کشیدن عکسهای منحوس خمینی جلال و ببار کردن آنان، نفرت خود را از جنایات رژیم ابراز نمودند.

CORRIERE



Una ventina di dimostranti - tutti iraniani studenti universitari a Milano - hanno preso d'assalto questa mattina, alle 9, il consolato iraniano, che si trova in piazza Diaz 6. Penetrati negli uffici del consolato, hanno aggredito il console Aslan Saadgare e i sette impiegati imbavagliandoli e legandoli saldamente. Alcuni sono stati duramente picchiati al punto che qualcuno ha dovuto anche ricorrere alle cure del medico.

I dimostranti protestavano contro il regime di Khomeini, con scritte e cartelli che hanno abbandonato sulle scale del



آنگاه تماویر رفقای شهید از جمله رفیق محمد تقی شهرام رفیق کاک فواد سلطانی، رفیق محسن فاضل و ... بدیوارهای جاسوخانه چسبانده و بدینوسیله یاد شهدای بخون خفته خلق را گرامی داشتند. در ادامه اشغال انقلابی جاسوخانه رژیم، رفقای اشغال کننده به نوشتن شعارهای انقلابی از قبیل " مرگ بر خمینی جلال " و " برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق "، " برادر و دیوار جاسوخانه پرداختند. برای اعلام اکسیون و توضیح اهداف اشغال باندول بزرگی از پنجره ساختمان آویزان کرده و بر روی دیویرج سرخ بزرگ دیگر نیز شمشه‌ای از جنایات رژیم سرمایه داری جمهوری اسلامی توضیح داده شده بود. خبر این اکسیون موفقیت آمیز بلافاصله با اطلاع خبرگزاریها رسیده

برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق